

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۱

درس تمهیدی فی الفقه الاستدلالی

سطح ۲

درس ۲۴

استاد: حجت الاسلام و المسلمین امینی

آموزشیار: سید هادی ساجدی

مقدمه

نفاس چهارمین مورد از موجبات غسل است، خون نفاس خونی است که هنگام تولد و پس از آن از زن خارج می‌گردد.

این درس به موضوع نفاس به عنوان چهارمین سبب وجوب غسل اختصاص دارد و همه‌ی مباحث آن و ادله‌ی هر یک از احکام آن در این درس بررسی خواهد شد. مباحثی مانند: تعریف خون نفاس، ویژگی‌های آن، احکام نفاس و همچنین دلیل هر یک از این موارد.

با پایان یافتن مباحث نفاس در این درس، از درس آینده دو سبب پایا نی وجوب غسل یعنی مرگ و مس میت، و همچنین مباحثی پیرامون احکام فوت بیان خواهد شد.

متن عربی

النفاس و بعض احكامه الخاصة

النفاس هو الدم الخارج حين الولادة و بعدها. و أكثره عشرة و لا حدّاً لأقلّه.

و إذا لم يتجاوز العشرة فكّلّه نفاس. و إذا تجاوزها فمقدار العادة في الم حيض نفاس و الزائد استحاضة.

و تترك النفساء الصلاة و الصوم مع قضاء الثاني.

و يحرم وطؤها و لا يصحّ طلاقها.

و يجب عليها الاغتسال عند انقطاع الدم بكيفية غسل الجنابة.

و المستند في ذلك:

١- اما ان النفاس ما ذكر خلافاً لما قد يقال من كونه شاملاً للدم الخارج قبل الولادة او خاصاً بما يخرج بعدها،

فتدل عليه موثقة عمّار عن أبي عبد الله عليه السلام:

«المرأة يصيبها الطلق أياماً أو يوماً أو يومين فترى الصفرة أو دمًا. قال تصلى ما لم تلد...» و غيرها.

٢- و اما ان أكثره عشرة - كما هو المشهور- و ليس ثمانية عشر كما هو المختار للسيد المرتضى، فهو مقتضى القاعدة

بتقريب انّ المقام من صغريات دوران امر المخصص لتعارض الروايت - بين الاقل و الاكثر، و في مثله يتمسك بعموم

الادلة الدالة على وجوب الصلاة و الصوم و نحو ذلك على المكلف في المقدار الزائد على المتقين.

٣- و اما انه لا حدّاً لأقلّه، فلاطلاق الأخبار.

٤- و اما ان جميع الدم نفاس مع عدم تجاوز العشرة، و بمقدار العادة على تقدير تجاوزها، فلصحيحة زرارة عن أبي جعفر

عليه السلام: «قلت له: النفساء متى تصلى؟ قال: تقعد قدر حيضها و تستظهر بيومين فان انقطع الدم و إلّا اغتسلت و

احتشمت و استنشرت و صلّت».

فان الاستظهار بيومين هو لطلب ظهور حال الدم و انه يتجاوز العشرة لترجع إلى عاداتها او لا يتجاوزها ليكون مجموعه

نفاساً.

٥- و اما حرمة وطؤها، فلموثقة مالك بن أعين: «سألت أبا جعفر عليه السلام عن النفساء يغشاها زوجها و هي في

نفاسها من الدم؟

قال: نعم إذا مضى لها منذ يوم وضعت بقدر أيام عدّة حيضها ثم تستظهر بيوم فلا بأس بعد ان يغشاها زوجها بأمرها

فلتغتسل ثم يغشاها ان أحب».

و هي تدلّ على عدم كفاية انقطاع الدم في جواز وطئها خلافاً للحيض . مضافاً الى أنّه قد يقال باقتضاء الاستصحاب

لذلك.

٦- و اما بطلان طلاقها، فلصحيحة زرارة عنهما عليهما السلام: «إذا طلق الرجل في دم النفاس أو طلقها بعد ما يمسهما

فليس طلاقه إياها بطلاق».

٧- و اما ان غسلها كغسل الجنابة، فلما تقدم في غسل الحيض.

٨- و اما وجوب تركها الصلاة و الصوم مع قضاؤه ، فلصحيحة عبد الرحمن بن الحجاج عن أبي الحسن عليه السلام :

«سألته عن النفساء تضع في شهر رمضان بعد صلاة العصر أ تتم ذلك اليوم أم تفتطر؟ فقال:

تفتطر ثم لتقض ذلك اليوم» و صحيحة زرارة عن أحدهما عليهما السلام :«النفساء تكفّ عن الصلاة أيامها التي كانت

تمكث فيها ثم تغتسل و تعمل كما تعمل المستحاضة».

تعریف نفاس

نفاس خونی است که هنگام ولادت یا بعد از آن از فرج زن خارج می‌شود.

ویژگی‌های خون نفاس

خون نفاس همانند استحاضه در قلت حد خاصی ندارد و همانند حیض حداکثر آن ده روز است.

اگر خون خارج شده در ایام ولادت فرزند از ده روز نگذرد، همه آن نفاس است. اما اگر از ده روز گذشت، به میزان عادت حیض نفاس است و مازاد آن استحاضه به شمار می‌آید. به عنوان مثال اگر زنی در حیض عادتش هفت روز باشد و در هنگام ولادت فرزندش دوازده روز خون ببیند، هفت روز آن نفاس و پنج روز دیگر استحاضه به حساب می‌آید.

احکام نفاس

نماز و روزه بر زن نفساء واجب نیست، با این تفاوت که نمازها را نباید قضا کند اما روزه‌هایش را باید قضا کند. نزدیکی با زن نفساء حرام است. و همچنین طلاق دادن او در ایام نفاس صحیح نیست. زن نفساء باید هنگام قطع شدن خون نفاس همانند غسل جنابت غسل کند.

تطبیق

النفاس و بعض احکامه الخاصة

خون نفاس و برخی احکام اختصاصی آن

النفاس هو الدم الخارج حين الولادة و بعدها. و أكثره عشرة و لا حدًّا لأقله.

نفاس خونی است که هنگام ولادت و بعد از آن خارج می‌شود. و بیشترین زمانش ده روز است و برای کمترین آن حدی وجود ندارد.

و إذا لم يتجاوز العشرة فكله نفاس.

و اگر خون از ده روز نگذرد، پس همه آن نفاس است.

و إذا تجاوزها فمقدار العادة فی الم حیض نفاس و الزائد استحاضة.

و اگر از ده روز بگذرد پس به مقدار عادت در حیض نفاس است و بیش از آن استحاضه است.

و تترك النفساء الصلاة و الصوم مع قضاء الثاني.

و زن نفساء باید نماز و روزه را رها کند همراه با قضا کردن روزه.

و یحرم وطؤها و لا یصح طلاقها.

و نزدیکی با زن نفساء حرام است و طلاق دادنش صحیح نیست.

و یجب علیها الاغتسال عند انقطاع الدم بکیفیه غسل الجنابة.

و بر زن نفساء واجب است هنگام قطع شدن خون با (همان) کیفیت غسل جنابت، غسل کند.

دلیل تعریف نفاس

خون نفاس را سه گونه تعریف کرده‌اند:

اول: خونی که هنگام ولادت و بعد از آن خارج می‌شود.

دوم: خونی که قبل از ولادت و هنگام آن و بعد از آن خارج می‌شود.

سوم: خونی که بعد از ولادت خارج می‌شود.

بنابراین بر اساس تعریف اول، خون قبل از ولادت نفاس نیست. و بر اساس تعریف سوم خون قبل و هنگام ولادت نفاس نیست. اما نویسنده تعریف اول را درست می‌داند.

دلیل صحّت تعریف اول موثقه عمّار^۱ است. در این روایت امام صادق(ع) می‌فرماید: زنی که درد زایمان او را گرفته و خون می‌بیند، تا زمانی که بچه متولد نشده است باید نمازش را بخواند. از احکام نفاس عدم وجوب نماز است. بنابراین وقتی امام(ع) می‌فرماید تا زمانی که بچه متولد نشده است باید نمازش را بخواند، روشن می‌شود خونی را که قبل از تولد می‌بیند نفاس نیست، اما خون هنگام تولد و بعد از آن نفاس است.

تعاریف نفاس

اول: خون هنگام ولادت و بعد از آن

دوم: خون قبل، هنگام و بعد از ولادت

سوم: فقط خون بعد از ولادت

دلیل ده روز بودن حداکثر نفاس

دو نظریه در مورد حداکثر زمان نفاس وجود دارد. مشهور معتقدند حداکثر نفاس ده روز است، در مقابل سید مرتضی^۲ حداکثر نفاس را هجده روز می‌داند. دلیل این اختلاف تعارض دو دسته روایت است که حداکثر نفاس در برخی همان حداکثر ایام حیض - که حداکثرش ده روز است - و در برخی هجده روز وارد شده است.^۳ این تعارض با استفاده از قواعد اصولی قابل حل است. در شرایط عادی مجموعه‌ای از ادله، نماز، روزه و امثال آن را بر زن واجب می‌داند. عمومیت این ادله توسط برخی دیگر از ادله مانند دلیل نفاس تخصیص می‌خورند. بنابراین بر اساس ادله وجوب، زن باید همیشه نماز بخواند، روزه بگیرد و... اما دلیل نفاس این حکم را تخصیص زده و به زن دستور می‌دهد در ایام نفاس این واجبات را انجام ندهد.

۱. وسائل الشیعة الباب ۴ من أبواب النفاس الحدیث ۱.

۲. الانتصار: ۳۵.

۳. فان بعضها دلّ علی ان النفساء تقعد عن الصلاة قدر حیضها كما فی صحیحه زرارة المذكورة فی الرقم ۴، و بعضها دلّ علی ان اکثر النفاس ثمانية عشر

یوماً كما فی صحیحه زرارة الاخری المذكورة فی وسائل الشیعة: باب ۳ من ابواب النفاس، حدیث ۶.

از سوی دیگر برخی از ادله نفاس، ده روز و برخی دیگر هجده روز را تخصیص می‌زنند، لذا ده روز قدر متیقن از این تخصیص است و در هشت روز دیگر به همان عمومیت ادله وجوب، تمسک کرده و می‌گوییم زن باید واجباتش را در بیش از ده روز انجام دهد. و این معنایش این است که خون در فراتر از ده روز نفاس نیست.

تطبيق

و المستند في ذلك:

و دليل مباحث نفاس:

۱- اما ان النفاس ما ذكر خلافاً لما قد يقال من كونه شاملاً للدم الخارج قبل الولادة او خاصاً بما يخرج بعدها، و اما اینکه نفاس خون هرگام و بعد از ولادت است بر خلاف آنچه گاهی گفته می‌شود که نفاس شامل خون خارج شده قبل از ولادت هم می‌شود یا اینکه مختص به خونی است که بعد از ولادت خارج می‌شود. فتدل عليه موثقة عمار عن أبي عبد الله عليه السلام: «المرأة يصيبها الطلق أيّما أو يوماً أو يومين فترى الصفرة أو دمًا. قال تصلى ما لم تلد...» و غيرها.

پس بر آن تعریف دلالت دارد موثقه عمار از امام صادق (ع): « زن چند روز یا یک روز یا دو روز درد ز ایمان بر او عارض می‌شود پس خون زرد یا سرخ می‌بیند. امام (ع) فرمود: تا نزاییده است باید نمازش را بخواند ... » و غیر این موثقه.

۲- و اما ان أكثره عشرة - كما هو المشهور - و ليس ثمانية عشر كما هو المختار للسيد المرتضى، و اما اینکه حد نهایت نفاس ده روز است - همانطور که مشهور است - و هجده روز نیست آنگونه که مختار سیدمرتضی است،

فهو مقتضى القاعدة بتقريب انّ المقام من صغريات دوران امر المخصص لتعارض الروایت - بين الاقل و الاكثر پس آن مقتضای قاعده است به این توضیح که جایگاه بحث، بخاطر تعارض روایات از صغریات دوران امر مخصّص بین اقل و اکثر است و في مثله يتمسك بعموم الادلة الدالة على وجوب الصلاة و الصوم و نحو ذلك على المكلف في المقدار الزائد على المتقين.

و در اینگونه موارد، نسبت به مقدار زائد بر قدر متیقن به عموم ادله ای که بر وجوب نماز و روزه و مانند آن بر مکلف دلالت دارند، تمسک می‌شود.

SCO۲→۱۲:۰۸

دليل حداقل نداشتن نفاس

گفتیم خون نفاس مانند استحاضه حد خاصی در قلت ندارد و اگر خون تنها یک لحظه باشد باز هم نفاس است. دلیل این حکم اطلاق اخبار است؛ چرا که روایات مربوط به نفاس برای نهایت آن، زمانی را تعیین کرده‌اند اما در مورد قلت هیچ سخنی به میان نیاورده‌اند و همین نشان می‌دهد که هیچ حد خاصی برای قلت آن وجود ندارد.

دلیل نفاس بودن همه خون در صورت کمتر بودن از ده روز و به مقدار عادت در بیش از ده روز

اگر خون از ده روز نگذرد، همه‌اش نفاس است و اگر از ده روز بگذرد به مقدار عادت زن در حیض نفاس است و افزون بر آن حکم استحاضه را دارد.

دلیل این حکم صحیح‌های از زراره است که از امام باقر(ع) درباره وقت نماز خواندن زن نفساء می‌پرسد و امام(ع) چنین پاسخ می‌دهد: زن نفساء به اندازه‌ی مدت حیضش از انجام واجبات خودداری می‌کند و دو روز خود را بررسی می‌کند، اگر خون قطع شد که واجباتش را از سر می‌گیرد، اما اگر خون همچنان ادامه پیدا کرد به وظیفه‌ی مستحاضه عمل می‌کند یعنی غسل می‌کند، پنبه‌ای را (برای جلوگیری از خروج خون) درون فرج قرار می‌دهد، پارچه‌ای بر آن می‌بندد و نمازش را می‌خواند.

شاهد بحث در آنجاست که امام(ع) فرمود دو روز بررسی می‌کند؛ چرا که هدف از این بررسی روشن شدن این است که آیا از ده روز گذشته تا مقدار عادتش را نفاس قرار دهد یا نگذشته تا همه‌ی آن را نفاس قرار دهد.

دلیل حرام بودن نزدیکی با زن نفساء

دلیل حرام بودن نزدیکی با زن نفساء، موثقه مالک بن اعین است که می‌گوید از امام باقر(ع) در مورد نزدیکی با همسر در ایام نفاس پرسیدم. امام(ع) پاسخ داد: اگر از زمان وضع حمل به اندازه عادتش در حیض بگذرد و یک روز هم بررسی کند (که مطمئن شود خون ادامه ندارد) اشکالی ندارد. در این صورت شوهر به زنش امر می‌کند که غسل کند و بعد از آن اگر خواست می‌تواند با او همبستر شود.

این روایت حکم موضوع بحث یعنی حرمت نزدیکی با زن نفساء را به صراحت بیان کرده است اما علاوه بر آن حاوی نکته‌ای است.

بر اساس این روایت قطع شدن خون نفاس برای جواز نزدیکی با زن کافی نیست بلکه علاوه بر آن باید غسل هم صورت گیرد، به خلاف حیض که مجرد انقطاع خون کافی بود.

علاوه بر روایت، مقتضای استصحاب نیز همین است؛ زیرا حرمت نزدیکی در ایام نفاس را در فاصله‌ی بین انقطاع خون و غسل استصحاب می‌کنیم.

تطبیق

۳- و اما انه لا حدّ لأقلّه، فلاطلاق الأخبار.

و اما اینکه حدی برای اقل نفاس وجود ندارد، پس به دلیل اطلاق روایات نفاس است.

۴- و اما ان جميع الدم نفاس مع عدم تجاوز العشرة، و بمقدار العادة علی تقدیر تجاوزها

و اما اینکه با عدم گذر خون از ده روز همه‌ی آن نفاس است و با گذر از ده روز به مقدار عادت ماهیانه نفاس است

فلصحيحة زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: «قلت له: النفساء متى تصلّي؟»

پس به دلیل صحیح زرارۀ از امام باقر (ع) است (که در آن چنین آمده است): « به امام (ع) عرض کردم: زن نفساء چه وقت می تواند نماز بخواند؟

قال: تقعد قدر حیضها و تستظهر بیومین فان انقطع الدم و إلا اغتسلت و احشمت و استثفرت و صلّت»^۱.

فرمود: به مقدار حیضش می نشیند (یعنی از انجام واجبات خودداری می کند) و دو روز بررسی می کند پس اگر خون قطع شود (که واجباتش را از سر می گیرد) و اگر قطع نشد غسل می کند، پنبه ای (در فرج) می نهد، پارچه ای (بر آن) می بندد و نماز می خواند».

فلن الاستظهار بیومین هو لطلب ظهور حال الدم و انه يتجاوز العشرة لترجع إلى عاداتها او لا يتجاوزها ليكون مجموعه نفاساً.

پس دو روز بررسی برای روشن کردن وضعیت خون است و اینکه از ده روز می گذرد تا زن نفساء به عادتش رجوع کند یا نمی گذرد تا همه ی آن نفاس باشد.

۵- و اما حرمة وطئها، فلموثقة مالك بن أعين: «سألت أبا جعفر عليه السلام عن النفساء يغشاها زوجها و هي في نفاسها من الدم؟

و اما حرمت نزدیکی با زن، پس به دلیل موثقه مالك بن اعین است (که در آن آمده است): « از امام باقر (ع) در مورد زن نفساء پرسیدم که آیا شوهرش می تواند با او نزدیکی کند در حالی که او در دوران خون نفاس است؟ قال: نعم إذا مضى لها منذ يوم وضعت بقدر أيام عدّة حیضها ثم تستظهر بیوم فلا بأس بعد ان يغشاها زوجها یامرها فلتغتسل ثم يغشاها ان أحب»^۲.

فرمود: بله، اگر از روزی که زن (در آن) وضع حمل کرده است به مقدار روزهای عادت حیضش گذشته باشد سپس یک روز بررسی می کند پی بعد از این مراحل اشکالی ندارد که شوهرش با او همبستر شود. شوهرش از او می خواهد تا غسل کند سپس اگر دوست داشت با او همبستر می شود».

و هي تدلّ علی عدم كفاية انقطاع الدم في جواز وطئها خلافاً للحيض . مضافاً الى انه قد يقال باقتضاء الاستصحاب لذلك.

و این روایت بر کافی نبودن انقطاع خون برای جواز نزدیکی با زن نفساء بر خلاف حیض دلالت دارد. علاوه بر اینکه ممکن است گفته شود استصحاب (نیز) مقتضی عدم کفایت انقطاع خون برای جواز نزدیکی است.

Scor→۲۳:۲۶

دلیل بطلان طلاق در ایام نفاس

۱. وسائل الشیعة الباب ۳ من أبواب النفاس الحدیث ۲.

۲. وسائل الشیعة الباب ۳ من أبواب النفاس الحدیث ۴.

دلیل باطل بودن طلاق در ایام نفاس صحیحهای از زراره^۱ است که در آن دو مورد از موارد بطلان طلاق ذکر شده است.

در این روایت آمده است: مردی که زنش را در دوران نفاس یا بعد از نزدیکی با او در یک طهر طلاق دهد^۲، طلاقش صحیح نیست.

دلیل یکسانی غسل نفاس با غسل جنابت

دلیل یکسانی غسل نفاس با جنابت همان دلیل یکسانی غسل حیض با جنابت است. با وجود آنکه غسل نفاس بسیار مورد ابتلای زنان در آن دوران بوده است، در عین حال هیچ کیفیت مستقل و خاصی برای آن ذکر نشده است؛ از این رو می توان نتیجه گرفت که تفاوتی با غسل جنابت ندارد.

دلیل وجوب ترک نماز و روزه و قضای روزه

نماز و روزه بر زن نفساء همانند حائض واجب نیست که البته باید روزه را قضا کند اما نمازهای فوت شده در آن دوران قضا ندارند.

در صحیحهای از عبدالرحمن^۳ حکم روزه و در صحیحهای از زراره^۴ حکم نماز آمده است.

عبدالرحمن می گوید از امام کاظم(ع) پرسیدم زنی که در ماه رمضان بعد از نماز عصر وضع حمل می کند باید روزه آن روز را تمام کند یا افطار کند؟ امام(ع) فرمود: آن روز را افطار می کند و باید پس از رمضان آن روز را قضا کند. در صحیح زراره آمده است: زن نفساء در روزهایی که باید صبر کند از خواندن نماز خودداری می کند سپس غسل می کند و احکام مستحاضه را انجام می دهد^۵.

تطبيق

۶- و اما بطلان طلاقها، فلصحيحة زرارة عنهما عليهما السلام: «إذا طلق الرجل في دم النفاس أو طلقها بعد ما يمستها فليس طلاقه إياها بطلاق».

و اما بطلان طلاق زن نفساء، پس به دل یل صحیح زراره از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است (که در آن چنین آمده): «اگر مرد در زمان خون نفاس زنش را طلاق دهد یا بعد از آنکه با او نزدیکی کرد (در همان طهر) طلاق دهد پس طلاق دادنش طلاق نیست (یعنی صحیح نیست و اثری ندارد)».

۱. وسائل الشیعة الباب ۹ من أبواب مقدمات الطلاق الحدیث ۱.

۲. طلاق باید در طهری واقع شود که در آن همبستری رخ نداده باشد، لذا اگر مرد در یک طهر با همسرش همبستر شد نمی تواند او را در آن طهر طلاق دهد بلکه باید صبر کند تا یک حیض بگذرد و در طهر بعدی او را طلاق دهد.

۳. وسائل الشیعة الباب ۶ من أبواب النفاس الحدیث ۱.

۴. وسائل الشیعة الباب ۳ من أبواب النفاس الحدیث ۱.

۵. بعنوان مثال زنی که عادتش هفت روز است و خون نفاسش دوازده روز طول کشیده است. این زن پس از هفت روز باید صبر کند آیا خون از ده روز می گذرد یا نه؟ در دورانی که وظیفه اش صبر است از خواندن نماز خودداری می کند و پس از آنکه معلوم شد غسل کرده و در زیادی از هفت روز عادتش احکام مستحاضه را انجام می دهد.

۷- و اما ان غسلها كغسل الجنابة، فلما تقدم في غسل الحيض.

و اما اینکه غسل زن نفساء مانند غسل جنابت است، پس به دلیل استدلالی است که در غسل حیض گذشت.

۸- و اما وجوب ترکها الصلاة و الصوم مع قضاؤه

و اما وجوب ترک نماز و روزه توسط زن نفساء همراه با قضا کردن روزه

فصحيحة عبد الرحمن بن الحجاج ع ن أبي الحسن عليه السلام : «سألته عن النفساء تضع في شهر رمضان بعد صلاة العصر أ تتم ذلك اليوم أم تفطر؟

پس به دلیل صحیحه عبدالرحمن بن حجاج از امام کاظم (ع) است (که در آن آمده است): « از امام (ع) درباره زن نفساء پرسیدم که در ماه رمضان بعد از نماز عصر وضع حمل می کند آیا (روزه) آن روز را باید تمام کند یا افطار کند؟

فقال: تفطر ثم لتقض ذلك اليوم»

پس فرمود: افطار می کند سپس باید آن روز را قضا کند»

و صحيحة زرارة أحدهما عليهما السلام: «النفساء تكف عن الصلاة أيامها التي كانت تمكث فيها ثم تغتسل و تعمل كما تعمل المستحاضة».

و صحیحه زراره عن از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): « زن نفساء در روزهایی که صبر می کند از خواندن نماز خودداری می کند سپس غسل کرده و عمل مستحاضه را انجام می دهد».

چکیده

۱. نفاس خونی است که هنگام ولادت یا بعد از آن از فرج زن خارج می‌شود. خون نفاس در قَلت حد خاصی ندارد اما حداکثر آن ده روز است.
۲. اگر خون خارج شده در ایام ولادت فرزند از ده روز نگذرد، همه آن نفاس است اما اگر از ده روز گذشت، به میزان عادت حیض، نفاس و مازاد آن استحاضه به شمار می‌آید.
۳. نماز و روزه بر زن نفساء واجب نیست، اما قضای روزه‌ها را بایع به جا آورد.
۴. نزدیکی با زن نفساء و همچنین طلاق دادن او در ایام نفاس جایز نیست.
۵. در روایت آمده است: تا زمانی که بچه متولد نشده است زن باید نمازش را بخواند. از این بیان روشن می‌شود خونی را که قبل از تولد می‌بیند نفاس نیست اما خون هنگام تولد و بعد از آن نفاس است.
۶. برخی از ادله نفاس عمومات واجبات را ده روز و برخی دیگر هجده روز تخصیص می‌زنند، لذا ده روز قدر متیقن از این تخصیص است و در باقی به همان عمومیت ادله وجوب تمسک می‌کنیم. معنای تخصیص به قدر متیقن این است که خون در فراتر از ده روز نفاس نیست.
۷. دلیلی نفاس بودن همه خون با عدم گذر از ده روز، و به مقدار عادت در صورت گذر از ده روز، صحیحه زراره است و شاهد بحث این است که امام (ع) فرمود دو روز بررسی می‌کند؛ چرا که هدف از این بررسی روشن شدن این است که آیا از ده روز گذشته تا مقدار عادتش را نفاس قرار دهد یا نگذشته تا همه‌ی آن را نفاس قرار دهد.
۸. موثقه مالک بن اعین، علاوه بر اثبات حرمت نزدیکی با زن نفساء، قطع شدن خون نفاس برای جواز نزدیکی با زن را کافی نمی‌داند، بلکه زن باید غسل نیز به جا آورد، به خلاف حیض که مجرد انقطاع خون کافی بود.
۹. با وجود آنکه غسل نفاس بسیار مورد ابتلای زنان در آن دوران بوده است، در عین حال هیچ کیفیت مستقل و خاصی برای آن ذکر نشده است؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت تفاوتی با غسل جنابت ندارد.